

سفینه حکیم محمد مؤمن تنکابنی

﴿ علی صدراپی خوبی ﴾

مقدمه

دفترهای یادداشت بزرگان از اسناد دست اولی به شمار می روند که در نوع خود منحصر بفرد، و دارای اطلاعات ارزشمندی هستند. موضوع این نوشتار دفتر یادداشت پزشک و عارف معروف عهد صفوی حکیم امیر محمد مؤمن تنکابنی است. خوشبختانه این دفتر یادداشت نفیس و منحصر به فرد از گزند حوادث به دور مانده و سالم به دست ما رسیده است. در مراجعه ای که به تصویر این سفینه گرانها پیش آمد، یادداشت هایی تهیه گردید که در نوشته حاضر در چند بخش تقدیم می گردد.

بصورت

بخش اول: در باره سفینه

این بخش به مشخصات ظاهری سفینه اختصاص دارد. دلیل معرفی سفینه، قبل از گزارش احوال و آثار مؤلف آن (حکیم محمد مؤمن تنکابنی)، این است که در این سفینه اطلاعات و مطالب جدیدی در احوال و آثار حکیم تنکابنی ذکر شده، که در گزارش شرح حال وی مورد استناد قرار خواهد گرفت. لذا معرفی سفینه برای تکمیل گزارش احوال و آثار وی، ضروری است.

۱. نسخه سفینه

نسخه منحصر و اصل این سفینه به شماره (۳۳۲۱) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود. این نسخه به قطع بیاضی، در اندازه ۸×۱۸ سانتی متر است. طبق صفحه شمار قدیمی که با قلم سرخ در بالای صفحه هانهاده شده، این سفینه دارای ۵۳۹ صفحه است ولی طبق تصویر دیجیتالی آن (هر فریم دارای دو صفحه) این سفینه دارای ۲۶۵ فریم است. حکیم محمد مؤمن تنکابنی مطالب این سفینه را در بیش از بیست سال - بین سالهای ۱۰۶۱ تا ۱۰۸۳ ق - جمع آوری نموده است. بخش قابل توجهی از این سفینه به قلم خود حکیم تنکابنی و بخش هایی را دانشمندان عصر او به درخواست وی نوشته اند.

ارزش این سفینه به این دست خطها و رساله های و مطالب ارزشمندی است که در آن وجود دارد و در مواردی این مطالب منحصر به همین سفینه است.

۲. مالکان

این سفینه قبل از ورود به کتابخانه مجلس در دست چند شخصیت معروف و علمی ایران زمین بوده، که نام و مطالب و یادداشتهای نوشته شده به قلم آنها، چنین است:

۱-۲. حکیم محمد مؤمن تنکابنی، که پدیدآورنده این سفینه بوده و بخش های مهم این سفینه به خط وی تحریر شده و در معرفی محتوای جنگ، رساله ها و مطالب تحریر شده توسط وی ذکر خواهد شد.

۲-۲. محمد طیب تنکابنی فرزند حکیم محمد مؤمن، او بعد از پدرش مالک این سفینه بوده و مطالبی را نیز تحریر نموده که در معرفی محتوای سفینه ذکر می شود.

۲-۳. رضا قلی خان بن محمد هادی متخلص به هدایت (م ۱۲۹۴ ق) و مؤلف کتابهای متعدد از جمله مجمع الفصحاء. هدایت در مورخه ۱۲۵۸ ق این سفینه را در شهری خریداری نموده و دستخط تملك و مهرش در اول و آخر نسخه به چشم می خورد. او در آخرین سفینه یادداشتی بدین عبارت نوشته است: «هو الله. این بیاض که فی المثل برجی است پراختر

حکمت و درجی پرگوهر معرفت، فقیرالراجی به عنایت رضاقلی المتخلص به هدایت در ری خریداری نمود. جمادی چند دادم جان خریدم / به ناسره عجب ارزان خریدم ۱۲۵۸ق».

۲-۴. شخص بعدی که مالک این جنگ بود عبد العلی میرزای قاجار است. او فرزند معتمد الدوله فرهاد میرزا بن عباس میرزا بن فتحعلیشاه قاجار است. و در اشعارش بعدی تخلص می کند. عبدی قاجار می نویسد که این سفینه به طریق ارث به وی رسیده و گویا منظورش این بوده که از طریق پدرش (معتمد الدوله فرهاد میرزا بن عباس میرزا بن فتحعلیشاه قاجار) به وی رسیده است. اما در باره چگونگی انتقال این نسخه از رضاقلی خان هدایت به فرهاد میرزا، چیزی در نسخه دیده نمی شود.

عبدی قاجار دو یادداشت تملك در آغاز نسخه نوشته است. اولی را در سال ۱۳۰۶ق، و در آن متذکر شده که این نسخه به طریق موروثی به وی رسیده، و آن بعد از درگذشت پدرش فرهاد میرزا در سال ۱۳۰۵ق بوده است. یادداشت دومی را در شب چهارشنبه ۷ رمضان ۱۳۱۱ق، در تهران بعد از تنظیم فهرستی برای این سفینه نگاشته است.

شایان ذکر است که عبد العلی قاجار فرزند دوم فرهاد میرزا ابتدا به احتشام الملك و احتشام الدوله و در نهایت به معتمد الدوله ملقب بود. او مدتی حاکم خمسه بوده بعد خانه نشین گریده است. فوت وی حوالی سال ۱۳۳۰ق اتفاق افتاده و در سرودن شعر و همچنین حکمت و خوشنویسی، دستی داشته است. از او دیوان شعر و حاشیه‌هایی بر شرح اشارات خواجه نصیر (مجلس شورای اسلامی نسخه شماره ۱۸۱۸، شامل منطق و طبیعیات و الهیات ۳۳۵ برگ) بر جای مانده است. احوالش در فرهنگ رجال قاجار، تالیف جورج پ. چرچیل، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، ص ۱۸ و اثر آفرینان، ج ۴، ص ۱۶۱، قابل دسترسی است.

۲-۵. بعد از عبد العلی قاجار این نسخه به کتابخانه مجلس شورای

اسلامی رسیده، و هم اکنون در این کتابخانه بزرگ نگهداری می شود.

۳. تاریخ کتابت

در این سفینه تاریخ کتابت های متعددی دارد، که به ترتیب عبارتند از:

۱. ختم رساله آغاز و انجام، توسط حکیم تنکابنی با این عبارت: «تم فی شهر ربیع الثانی سنة ۱۰۶۳ فی قرية میانکوه من توابع تنکابن علی ید الفقیر الی الله الغنی الحیب محمد مؤمن الحسینی الطیب لا یبعده الله عن جنابه انه قریب محیب». (ص ۲۲ سفینه).
۲. ختم رساله سؤالات اسکندر، که به درخواست حکیم تنکابنی، محمد باقر، آن را در سال ۱۰۶۳ق، تحریر نموده، ترقیمه وی، چنین است: «حسب الاشارة مخدوم ملاذ دردمندان آقا محمد مؤمن این اقل خلیقه بل لاشی بالحقیقة محمد باقر باعث تتمیم تحریر این رساله شریفه گردید. والسلام. تحریراً فی سلخ شهر جمادی الاول سنة ۱۰۶۳». (ص ۳۱ سفینه).
۳. ختم رساله نزهة الارواح، که محمد اسماعیل به درخواست حکیم تنکابنی در سال ۱۰۶۷ق تحریر نموده، با این ترقیمه: «هو. حسب الفرموده جامع کمالات صوری و معنوی مخترع طور اهلیت و مردمی صاحب نفس عیسوی جالینوس الزمانی مخدومی ملاذی میرزا محمد مؤمنا حفظه الله تعالی در مقام تنمیق این رساله شریفه در آمد. حرره العبد الضئیل الذلیل محمد اسماعیل به تاریخ رابع عشر شهر صفر ختم بالخیر و الظفر من شهور سنة سبع و ستین بعد الألف من الهجرة النبوی صلعم ۱۰۶۷». (ص ۹۹ سفینه).
۴. ختم رساله صلاتیه شیخ رئیس، در سال ۱۰۶۸ق، بدون نام کاتب. (ص ۱۲۷ سفینه).
۵. ختم رساله نبوت شیخ رئیس، در سال ۱۰۶۸ق، بدون نام کاتب. (ص ۱۳۱ سفینه).
۶. ختم رساله حدوث عالم سید حسین، به قلم جلال الدین گیلانی در سال ۱۰۸۴ق در طهران. (ص ۱۸۳ سفینه).

۷. ختم فصول النصیریة به قلم محمد مسیح شیرازی بدون سال تحریر، با این عبارت:

«در عصریوم الاثنین ۷ شهر صفر ختم بالخیر و الظفر در مازندران بهشت نشان در بلده طیه اشرف به روز خود سیاه روزگار نشانند اگر سهوی یا غلطی شده باشد بر نسخه اعتماد نبود و فرصت تصحیح نداشت متوقعست که در وقت صحبت حال این حیرت زده را در گوشه خیال جای دهند. بنده محمد مسیح شیرازی و حالم: (شعر) ای روشن عالم بالا مدد کنید/ شاید زقید سنگ برآید شرار ما». (ص ۱۹۷ سفینه).

۸. ختم حدیث منقول از علم الیقین فیض کاشانی، بدین عبارت: «کتبه العبد گنجعلی للمخدوم الاعظم السید النجیب میرزا محمد مومنا». (ص ۲۰۶ سفینه).

۹. ختم منقول از مقالات احمد غزالی، در سال ۱۱۰۲ق، که برای حکیم تنکابنی نوشته شده، با این عبارت: «خدمه الخادم الفقیر الحقیر العبد گنجعلی للمخدوم الاعظم الاکرم السید النجیب الحسیب النسیب شمساً للسیادة و النجابه و العزو الدین میرزا محمد مومنا سلمه الله تعالی فی شهر محرم الحرام من شهور سنة ۱۱۰۲». بعد از آن این رباعی را از خود نوشته است:

محرره گنجعلی الدیلمی:

مفهوم وجود نزد ارباب شهود

هست بخود و غیر بدو هست نمود

چون غیر وجود نیست جز غیر وجود

بر غیر چرا کنند اطلاق وجود

و بعد از آن قطعه ای فارسی آمده که گویا آن هم سروده همین شخص است. (ص ۲۰۸):

۱۰. ختم لوائج جامی «قد تمت فی شهر جمادی الاول سنة ۱۰۶۳ق. هو. این رساله را حضرت محبوب القلوبی اخوی ام حضرت میرزا محمد باقر

خلف صدق حضرت ملاذی حاجی امینای رودسری تذکرة له جهت (یک کلمه ناخوانا) احبای نجیب محمد مؤمن حسینی طیب قلمی فرمودند امید که حضرت حق سبحانه و تعالی همگی را به شرف قرب الجنان تشریف کرامت ارزانی دارد انه قریب مجیب». (ص ۲۲۳ سفینه).

۱۱. ختم جام گیتی نمابه خط حکیم تنکابنی در ۱۰۶۱ق، با این عبارت: «در بلده ایروان به تاریخ شهر رمضان سنة ۱۰۶۱ اتمام یافت بعونه و انا العبد الفقیر الی الله الغنی ابن محمد زمان محمد مؤمن الحسینی الطیب». (ص ۲۳۳ سفینه).

۱۲. ختم شجره سادات دیلمی، با این عبارت: «کتبه العبد الاقل محمد باقر الدیلمی فی سنة تسع و ثمانین الف (در ۱۰۸۹ق)». (ص ۲۵۸ سفینه).

۱۳. اشعار متفرقه ای است که فرزند حکیم تنکابنی، به خط خودش نگاشته، و با این عبارت به پایان رسانده است: «به تاریخ غره شهر رجب سنه ۱۱۱۳ این چند بیت متفرق درین سفینه مرقوم گردید نمقه الفقیر سید محمد طیب عفی عنه». (ص ۲۶۱ سفینه).

۱۴. غزلی از مولوی، که به فال میرزا نقی آمده، تحریر شده در ربیع الآخر ۱۰۸۵ق. (ص ۲۶۲ سفینه).

بخش دوم: کتابها و رساله ها

این سفینه دارای کتابها و رساله های مهمی در عرفان، اعتقادات، و اخلاق و تاریخ است، که به ترتیب حروف تهجی نام رساله ها، عبارتند از:

آغاز و انجام (ص ۱۲-۲۲)، فارسی، اعتقادات،

از: خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ق)

آغاز: ربنا لاتنزع قلوبنا بعد از هدیتنا.

انجامه: تم فی شهر ربیع الثانی سنة ۱۰۶۳ فی قرية میانکوه من توابع تنکابن علی ید الفقیر الی الله الغنی الحیب محمد مؤمن الحسینی الطیب لا یبعده الله عن جنابه انه قریب مجیب.

احادیث شیعی (ص ۲۳۷-۲۴۲)

به عربی بدون ذکر سند و ماخذ آنها، درباره فضایل شیعه و آداب و سنن. گویا آنها را حکیم تنکابنی انتخاب و تحریر نموده است.

احیاء العلوم، ابو حامد غزالی (ص ۲۳۴-۲۳۶)

نقلی از احیاء العلوم، به عربی، فی الفرق بین الالهام والتعلم والفرق بین طریق الصوفیة فی استکشاف الحق و طریق النظر فی الاکتساب.

اصطلاحات شطرنج (۲۵۰)

جدولی در توضیح اصطلاحات شطرنج است.

اصطلاحات الصوفیة (ص ۱۵۹-۱۶۱)، فارسی

از: ملا عبد الرزاق کاشی

این رساله از انجام ناقص مانده است.

آغاز: بدانکه تصوف تصفیه قلب است.

انوار الحقیقة و اطوار الطریقة و اسرار الشریعة، سید حیدر آملی (ص ۱۶۴ و ۱۶۵)

مطلبی از این کتاب نقل شده است.

آغاز: من کتاب انوار الحقیقة و اطوار الطریقة و اسرار الشریعة، اعلم غرض الانبیاء

ایصال الخلق الی کمالاتهم المعینة لهم بحسب استعداداتهم.

اوصاف الاشراف (ص ۳۳-۴۷)، فارسی، اخلاق

از: خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ق)

در اول نسخه حاضر این رساله، منتخب اخلاق ناصری معرفی شده است.

آغاز: سپاس بقیاس بار خدایی را.

ایزد شناخت فی المعرفة و الحقایق (ص ۴۸-۶۲)، فارسی، اعتقادات

از: بابا افضل کاشی

آغاز: چون از جناب مقدس ازلی و پرده قدم بنده ای از بندگان را برگزیند.

تعبیر الرؤیا، ابن سینا (ص ۱۳۲-۱۴۷)، عربی،

آغاز: بسمله. قال الشیخ الرئیس ابو علی بن عبد الله بن سینا قدس الله روحه العزیز

الاولیة التي استمدت الامواه من العیون وانصبت فی البحر

جام گیتی نما (ص ۲۲۵-۲۳۳)، فارسی

از: قاضی میر حسین میبدی

آغاز: سپاس و ستایش حکیمی را که افکار حکما و انظار علما

جواب سؤالات اسکندر بن عمر (مبدأ و معاد) (ص ۲۳-۳۱)، فارسی، اعتقادات

از: میرسید شریف جرجانی

سؤالاتی که اسکندر بن عمر در سال ۸۱۳ ق از اصفهان با فرستادن شخصی به شیراز

ازسید شریف جرجانی پرسیده و وی جواب داده است.

آغاز: الحمد لله رب العالمین.

بعد از پایان مطلبی با عنوان «فصل دهم در وصیت مشایخ: احکام شریعت به افهام

خواص و عوام می رسد و همه را از اینجا منفعت می باشد...» و در بالای آن نوشته

شده که: «تتمه رساله سابقست که در نسخه دیگر ملاحظه شده سمت تحریر

یافت».

حدیث معرفت نفس (ص ۱۶۲)

که کمیل از علی علیه السلام نقل نموده است. در اینجا این حدیث از کشکول شیخ بهایی

تحریر و بعد از آن چند حدیث علوی باز به نقل از کشکول نقل شده است.

حدیث امام حسن عسکری (ع) (ص ۲۰۷)

به نقل از عبد النبی شطاری از خط سید علی همدانی، عربی

آغاز: قد سعدنا ذری الحقایق باقدام النبوة والولاية.

جامع الجوامع، طبرسی (ص ۲۳۳)

مطلبی به نقل از تفسیر جامع الجوامع.

دیباچه بیاض (ص ۲۰۹-۲۱۱)، فارسی

آغاز: (شعر):

بسم الله الرحمن الرحيم

سلم فکر است به کاخ قدیم

شکر و سپاس بی قیاس بیرون از اندازه افهام و اوهام ناس مرعلة العلل و واجب

الوجودی است.



رساله در تحقیق زمان (ص ۱۶۶-۱۷۵)، عربی، حکمت

از: شیخ داود قیصری

از روی خط مؤلف تحریر شده، که تاریخ اتمام آن اواخر ذیحجه ۷۳۵ ق بوده است.

آغاز: يقول الضعیف الراجی رحمة ربه اللطیف.

رساله در حدوث عالم (ص ۱۸۰-۱۸۳)، عربی، حکمت

از: شیخ حسین تنکابنی دیلمی

آغاز: الحمد لله المتفرد بوجوب وجوده عن کل عین.

رساله در نبوة وما يتعلق بها (ص ۱۲۷-۱۳۱)، فارسی

از: شیخ رئیس ابو علی سینا

آغاز: سپاس خداوند آسمان وزمین را.

رساله در وحدت وجود (ص ۱۷۶-۱۷۹)، عربی، حکمت

از: شیخ حسین تنکابنی دیلمی

از انجام ناتمام مانده است.

آغاز: الحمد لله الذی هو نور سموات العقول والنفوس.

رصد الاقالیم (ص ۲۳۷)، فارسی، ستاره شناسی

مطلبی با عنوان «من رصد الاقالیم علی ما قال بطليموس» که به عربی بوده و حکیم

تنکابنی به فارسی ترجمه نموده است.

آغاز: زمین به شکل کره ایست در میان عالم چون توهم کنیم که سطح دایره معدل

النهار

روایاتی از اهل سنت در فضل علی عليه السلام (ص ۲۴۲-۲۴۳)، عربی

آغاز: فی مسند احمد بن حنبل لم یکن من اسحاب النبی ص ان یقول سلونی الا

علی ابن ابی طالب ع.

شجره سادات دیلمی (ص ۲۵۷-۲۵۸)

شجره سیادت حکیم تنکابنی است. که متن آن در ادامه خواهد آمد.

شرح حدیث کنت کنزاً مخفیاً (ص ۲۴۴-۲۴۵)، عربی

از: شیخ محی الدین ابن عربی

شرح داستان مرموز (ص ۲۴۷-۲۴۹)، فارسی، عرفان

از: حکیم محمد مؤمن طیب تنکابنی

نسخه حاضر - که نسخه اصل و به خط مؤلف است - از آغاز افتادگی دارد.

آغاز نسخه: که مادامی با وجود استعداد مشعل روح مجرد نشود حکم تیربی پرو

پیکان دارد و خریدن آن کنایه از قبول روح مجرد است مرروح نفسانی.

شرح رباعی ابوسعید ابو الخیر (ص ۲۴۹)، فارسی، عرفان

از: حکیم محمد مؤمن طیب تنکابنی به خط خودش

شرحی است بر رباعی معروف ابوسعید ابو الخیر.

آغاز: شیخ ابوسعید ابو الخیر: (شعر)

دی بر سر گور ذله غارت کردم

مرپاکان را جنب زیارت کردم

دی عبارت از ماضی قریب به حال است و گورستان به بدن که قبر روح است و ذله

عبارت است از اخلاق ذمیمه.

صلاتی، ابن سینا (ص ۱۲۳-۱۲۷)، عربی،

آغاز: الحمد لله الذی خص الانسان بشرف الخطاب.

علم الیقین، ملا محمد محسن فیض کاشانی (ص ۲۰۶)، عربی

آغاز: نقل من کتاب علم الیقین من تصانیف مولانا محمد محسن رحمته الله و روی العامة

باسنادهم عن همام ابن ابی علی قال قلت لکعب الحبر ما تقول فی هذه الشيعة شيعة

علی بن ابی طالب علیه السلام فقال یا همام انی اجد صفتهم فی کتاب الله المنزل

انهم حزب الله وانصار دينه.

الفصول فی الاصول (الفصول النصيرية) (ص ۱۹۱-۱۹۷)، فارسی، اعتقادات

از: خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ق)

آغاز: اما بعد حمد الله الواجب وجوده.

کشف الحقایق (ص ۱۴۷-۱۵۷)، فارسی، عرفان

از: شیخ عزیزالدین نسفی

در این سفینه دو رساله از کشف الحقایق تحریر شده، بدین ترتیب:

۱. رساله دوم از کشف الحقایق: در بیان انسان و آنچه به انسان تعلق دارد، که از انجام ناتمام مانده است.

آغاز: بدانکه انسان مرکب است از دو جوهر.

۲. رساله پنجم از کشف الحقایق در بیان سلوک و آنچه به سلوک تعلق دارد. آغاز: بدانکه سلوک در لغت رفتن است علی الاطلاق.

لوايح (ص ۲۱۳-۲۲۳)، فارسی، عرفان

از: نورالدین عبد الرحمن جامی

آغاز: لا احصى ثنا عليك كيف يعود كل ثنا عليك جلّ عن ثنایی.

متعّه (ص ۱۸۵-۱۹۰)، فارسی، فقه

از: حکیم محمد مؤمن طیب تنکابنی

ادله بر مشروعیت متعه وردّ ادله اهل سنت بر منسوخیت آن.

آغاز: بدانکه اجماع واقع است در میان اهل اسلام.

منتخب مشارق الامان شيخ رجب البرسی (ص ۱۹۸-۲۰۶)، عربی، حدیث

انتخاب از: حکیم محمد مؤمن طیب تنکابنی

آغاز: احادیث من مشارق الامان للشيخ رجب البرسی رحمه الله تعالى قال رسول الله

ص اول ما خلق الله نوری انا من الله والكل مني.

مقالات، احمد غزالی (ص ۲۰۸)، فارسی

آغاز: من مقالات احمد غزالی قدس الله تعالى سره مردی را سردر عالم داده اند اگر

سیر خورد مست است و اگر گرسنه است دیوانه و اگر خفته است مردار است و اگر

بیدار است متحیر عجز قرین او شده و ضعف صفت لازمه او گشته.

مکتوب، نواب اعتماد الدوله (ص ۲۵۳-۲۵۴) فارسی

آغاز: هو. انشایی که نواب مستطاب فلك جناب ایرانیان مداری وجیه الزمانی

اعتضاد السلطنة البهية السلطانية اعتماد الدولة البهية العالية الخاقانية غوده و از خادم

الفقر محمد مؤمن طیب حسینی الطیب ادویه مقویه باهیه خواسته.

مکتوب، ملاحسن دیلمی (ص ۲۵۵)، فارسی

آغاز: هو. مکتوب حضرت علامی فهامی قدوة السالکین و المحققین العالم الربانی

مولانا حسن الدیلمی سلمه الله تعالی که به حقیر محمد مومن حسینی طیب نوشته اند: مخلص جانی و داعی جنانی حسن دیلمی گیلانی خوالص تسلیماتی که اشعه لمعات برکات آن چون بارقه از عذار حورتابان.

موسیقی (ص ۲۵۰) فارسی

از: حکیم محمد مؤمن طیب تنکابنی

آغاز: اسامی دوازده مقام و بیست و چهار شعبه و آواز، حد وسط هر دو مقام را آواز نامند.

میزان العمل (ص ۶-۱۱)، عربی، عرفان

از: شیخ نجم الدین کبری

آغاز: میزان العمل شیخ نجم الدین کبری قدس سره العزیز الحمد لله الذی یعلم مکائیل البحار و مثاقیل الجبال مرسل سحاب الثقال ... فبعد سألتنی وفقک الله عن شرح بعض ما اعطانی الله من نعمه الجزیل و بیان ما رایت بعین قلبی من احسانه الجمیل علی خاصة و علی جمیع الفقرا عامة فاسرعت الی اجابتک و نقلت عن جریدة قلبی و صحیفة خاطری بعض ما اختصنی الله به و اهلمنى بجمعه فاقول و بالله التوفیق طفت بعض الدنیا و جربت الامور و باشرت الاشغال و صحبت الرجال و رکت العظام و ذقت مرارة الاشیا و حلاوتها و فتشت الكتب و خدمت العلما ضعیف عمری فی طلب الدنیا و رایت العجایب، فما رایت شیئاً أسرع ذهاباً و اعجل زوالاً من العمر و الدنیا و ما رایت شیئاً اقرب من الموت و الآخرة.

انجام: و انشدت لنفسی و وصف حالى و زبده مقالی هذه الایات: (شعر)

نصیحتکم یا اخوانی کلکم

لا تنتظروا فی زى تلیسی

...

نفسی ابلیس تجربتها

نعوذوا من شر ابلیس

تمت الرسالة الموسوم بمیزان العمل للشیخ الكامل نجم الدین الکبری قدس سره.

نزہة الاروح (ص ۶۳-۹۹)، فارسی، عرفان



از: امیر حسین حسینی هروی

آغاز: نزهة الارواح من مؤلفات سيد العرفا مير حسيني سادات الهروي قدس سره
العزیز. بسمله و به نستعين. (شعر)

به توفیقش چوروشن دیدم آواز

سخن را هم بنامش کردم آغاز

نزهة القلوب فی اخلاق الفضيلة و الرزيلة (ص ۱۰۰-۱۲۲)، فارسی، اخلاق

از: حکیم محمد مؤمن تنکابنی

از این کتاب نسخه دیگری شناسایی نشده است.

آغاز: زبده من کتاب نزهة القلوب فی اخلاق الفضيلة و الرزيلة. حق سبحانه و تعالی
وجود آدمی را از صفات ملکی و شیطانی که تاثیرش خصال جمیله و ردیه تواند بود
ممزوج آفریده است.

انجام: حق سبحانه همه را توفیق طلب این راه هدایت کناد و به فضل و کرم و منت
خویش آه علی ما یشا قدیر. تمت.

الواحد لا یصدر منه الا الواحد، حکیم محمد مؤمن طبیب تنکابنی (ص ۲۵۶)، فارسی

در زیر این رساله کوتاه، یادداشتی از معتمدالدوله عبد العلی عبدی قاجار آمده که در
شب پنج شنبه ۱۳ جمادی الاول ۱۳۱۱ ق در طهران نوشته، و در آن عنوان نموده که
حکیم مؤمن در تحقیق این قاعده «کما ینبغی بیانی فرموده» است.
آغاز: منقول است که از علامه حلی قدس سره از معنی لایصدر الواحد الا الواحد
نمودند و جناب رفیع ایشان این رباعی ابوسعید ابو الخیر طاب ثراه را در جواب
فرمودند.

بخش دوم: شاعرانی که اشعارشان در این سفینه آمده است:

در این سفینه اشعار متعددی از شاعران مختلف درج گردیده، که اسامی آنها به ترتیب حروف

تهجی عبارتند از:

ابوسعید ابو الخیر

شیخ ابوسعید ابو الخیر (ص ۲۴۹):

دی بر سر گور ذله غارت کردم

مرپاکان را جنب زیارت کردم

الهی

شاعری با تخلص الهی اشعاری را به خط خودش در این سفینه نگاشته ولی
اطلاعات دیگری از وی به دست نیامد.

آغاز: هو. الهی عفی عنه (ص ۲۴۶): (شعر)

عاشقی هرگز اختیار مکن

هوس مرده ریگزار مکن

دامن گلرخی به دست مگیر

خویشتن را به هرزه خوار مکن

ایضاً غزلی از وی با عنوان «الهی عفی عنه» (ص ۲۶۵)، با این مطلع:

(شعر)

حال زاری که داشتم دارم

انتظاری که داشتم دارم

حسن شاملو

غزلی از حسن خان شاملو با تخلص حسن (ص ۲۶۲)، با این مطلع، (شعر)

یارب این مخمور غفلت را می اسرارده

همچو آهم بر در دلهای روشن بارده

سید محمد طیب

سید محمد طیب فرزند حکیم محمد مؤمن تنکابنی است. او در این سفینه در

(ص ۲۵۹-۲۶۱) اشعاری متفرقه را در غره رجب ۱۱۱۳ تحریر نموده، که سه بیت آن

گویا از خود وی است، بدین عبارت: (شعر)

قری ریخته بالم به پناه که روم

تابه کی سرکشی ای سرو خرامان از من

الفت ما و تو چون صحبت موج است و کنار

روز و شب با من و پیوسته گریزان از من

نه همین سرکشد آن سرو خرامان از من



می کشد خاردرین بادیه دامان از من

شیخ بهایی

در این سفینه در چند مورد از شیخ بهایی اشعاری نقل شده، که عبارتند از:
الف: (ص ۲۴۹) ابیاتی که به لغت سریانی شخصی حین طوف حرم محترم تکرار می نمود و ناودان طلا مکرر می افتاد و چون کسی به زبان آن شخص راه نمی برد درویشی ظاهر او را مقیمان حرم ملاحظه نموده آخر الامر ناودان را تسلیم او کردند تا صرف معشیت خود نماید. شیخ بهایی در کشکول این ابیات را ترجمه نموده است.

ب: (ص ۲۵۹-۲۶۰) در این دو برگ اشعاری را از مثنوی نان و حلوی شیخ بهایی نقل نموده که چند بیت اول آن چنین است: (شعر)

قد صرفنا العمر فی قیل و قال

یا ندیمی قم فقد ضاق مجال

قم ازل عتارسم الهموم

ان عمری ضاع فی علم الرسوم

علم رسمی سربه سر قیل است و قال

نه از او کیفیتی حاصل نه حال

طبع را افسردگی بخشد مدام

مولوی باور ندارد این کلام

علم نبود غیر علم عاشقی

ما بقی تلیس ابلیس شقی

سینه خالی ز عشق گل رخان

کهنه انبانی بود پراستخوان

ج: (ص ۲۶۰) در این برگ دو غزل و دو رباعی از شیخ بهایی تحریر شده که عبارتند از:

غزل اول (شعر)

از کتان و سمور بیزارم

باز میل قلندری دارم

تکیه بر بستر منقش بس
بر تنم نقش بوریاست هوس
چند باشم مفرق الخاطر
ز استرواسب و مهتر و شاطر
دل از این مهملات گشت ملول
ای خوشا خرقه ای و خوشا کشکول
کی بود کی که باز کردم خرد
بادل ریش و سینه ای پردرد
شود آن توپ به تخت بختم باز
گردد از خواب چشم بختم باز
باز گیرم شهنشهی از سر
وز کلاه غد کنم افسر
خاک برفرق اعتبار کنم
خنده بروضع اذکار کنم

(کلیات شیخ بهایی، سعید نفیسی، ص ۳۳۹-۳۴۰، باختلاف زیاد)

غزل دوم با این مطلع: (شعر)
راه مقصد دور و پای سفر لنگ
وقت ما چون خاطر ناشاد تنگ
جذبہ ای از عشق باید بی گمان
تا شود طی هم زمان و هم مکان
روز از دود دلم تاریک و تار
شب چو روز آمد ز آه شعله بار
کارم از هندوی زلفش واژگون
روز من شب شد شبم روز از جنون
(کلیات شیخ بهایی، سعید نفیسی، ص ۳۴۰)
رباعی اول: (شعر)



يك چند میان خلق کردیم درنگ
زیشان نه وفانه بوی دیدیم و نه رنگ
آن به که ز چشم خلق پنهان گردیم
چون آب در آینه و آتش در سنگ
(این رباعی در کلیات شیخ بهایی، سعید نفیسی، وجود ندارد).

رباعی دوم: (شعر)

يك چند در این مدرسه ها گردیدم
و ز اهل کمال نکته ها پرسیدم
يك مسئله که بوی عشق آید ازو
(در نسخه پاره شده و از بین رفته است) نشنیدم
(این رباعی کلیات شیخ بهایی، سعید نفیسی، وجود ندارد).

علی پاشا

در (ص ۲۶۴) دو بیت به عربی از علی پاشا حاکم بصره، تحریر شده، بدین عبارت:

یا من عبد الله فقوی عضدیه
ایتّم بمن کان ید الله یدیه
واعتدّ بآله خصوصاً ولدیه
کی یسکنک الله لدیهم ولدیه

فیضی

در (ص ۲۶۳-۲۶۴)، مثنوی فارسی از شیخ فیضی تحریر شده، که چنین است:

(شعر)

یا زلی الظهور یا ابدی الخفا
نورک فوق النظر حسنک فوق الثنا
نور تو بینش گداز حسن تو دانش گسل
فکر تو اندیشه گاه کنه تو حیرت فزا
ملت علم تو راهست به فتوای قدس
خون تفکر هدر خاک تعقل هبا

شاهد عرفان توست از همه کس بی نیاز
گو همه دها بسوز گو همه جانها بر آ
شهر جلال تو را طالب بس کوچه کرد
این نظر پیش بین وین خرد پیشوا
فرقه اشراقیان در غمت آشفته سر
زمره مشائیان در رهت افگار پیا
حرف یقین تونیست در ورق قیل و قال
نصر محقق کدام فخر مشکک کجا
خانه نداری ولی از تو همه خانه پُر
جای نداری ولی از تو تهی نیست جا
عشق تو فرزانه کش ناز تو بیگانه جو
زخم تو مرهم فکن درد تو مرد آزما
ظَلَّكَ نور العیون قریبك اولی النعم
هَمَّكَ امّ الهمم وصلك اصل المنی
حضرت قدس تو را نیست نظر بر لباس
خواه منقش پرند خواه مرقع قبا
آبله پا آن یکی باد به دست این دگر
عاشق صحرا نورد عابد خلوت سرا
بادل بی دست و پا خاک نشین درت
بر کف دست آسمان زیر قدم بوریا
زوایه تنگنا با تو مرا لا مکان
بادیه لا مکان بی تو مرا تنگنا
تشنه فیض توام ابر عنایت بیار
دجله بغداد کن بادیه کربلا
از همه آزاده ام تا به توام پای بند
وز همه بیگانه ام تا به توام آشنا

جاذبه‌ای در دلم نه که کم از سنگ نیست
ای که به سنگی دهی جذبه آهن ربا
ما همه امیدوار جود تو امید بخش
ما همه حاجت طلب لطف تو حاجت روا
بازنداری چنان کآخر کار افکنم
خاک ندامت به سر در عرصات جزا

کاتبی

غزلی از کاتبی (ص ۲۵۱)، با این مطلع: (شعر)
ای راست رو قضا به کمان تو چون خدنگ
بر ترکش تو چرخ ملمع دم پلنگ
مرغابیان جوهر دریای تبع تو
هر یک به روز واقعه صیاد صد نهنگ

لطفعلی بیگ

در (ص ۲۶۴) قطعه‌ای سه بیتی با عنوان «مقرب الحضرة لطفعلی بیگا»، تحریر شده، که چنین است:

تشنه شوقم جمال یار می خواهد دلم
چهره آینه ام دیدار می خواهد دلم
تا به کام دل تماشای گلستانش کنم
خیره چون رخنه دیوار می خواهد دلم
ساده لوحی بین که میجویم وفا از روی نگار
گوهر انصاف در بازار می خواهد دلم

مولوی

در دو جای این سفینه از مولوی دو غزل نقل شده، که عبارتند از:

۱. (ص ۲۲۴)، با عنوان «مولوی معنوی» با این مطلع: (شعر)
کیخسرو سیاوش کاوس کیقباد
گویند کز فرنگس افراسیاب زاد

روزی خوشست اگر بشنویش بیان کنم

احوال خلق و قدرت شاهی و علم و داد

۲. در (ص ۲۶۲-۲۶۳) با عنوان «مولوی معنوی رحمه الله، به تاریخ شهر ربیع الاول

سنه ۱۰۸۵ق به فال صاحبی میرزای آمد»، که چند بیت اول آن چنین است:

منگر به هر گدایی که تو خاص از آن مایی

مفروش خویش ارزان که تو بس گرانبایی

به عصا شکاف دریا که موسی زمانی

بدران قبای مه را که تو نور مصطفایی

بشکن سبوی خوبان که تو یوسف جمالی

چو مسیح دم روان کن که تونیز از آن مایی

بستان ز دیو خاتم که تویی به جان سلیمان

بشکن سپاه اختر که تو آفتاب رای

چو خلیل رو در آتش که تو خالصی و بیغش

چو خضر خور آب حیوان که تو جوهر بقایی

به صف اندر آی تنها که سفند یار وقتی

در خیر است برگن که علی مرتضایی

بگسل زبی اصولان مشنوفریب غولان

که تو از شریف اصلی که تو از بلند جایی

مهری عرب

در (ص ۲۵۲) بخشی از بحر طویل مهری عرب به خط نظر علی بیگ، تحریر شده با این

سر آغاز: «بُرد من ماست به یغما همه امتعه و اقمشه هر دو جهان یعنی من الراس حریر

الخرد و بادلة الهوش و من السسم سنه مخمل خواب».

و در زیر آن یادداشتی از زنده یاد احمد گلچین معانی درج شده که در بیستم بهمن

۱۳۴۰ش نگاشته اند.

میرنجات

در (ص ۲۶۱)، سه بیت از میرنجات، راسید محمد طیب فرزند حکیم مؤمن، در



مورخه غره رجب ۱۱۱۳ ق تحریر نموده، که چنین است: (شعر)
آن را که محبت تو باشد
شایسته حضرت تو باشد
من کیستم و گناه چیست
تا مانع رحمت تو باشد
آن دل که گداز یابد از درد
آینه طلعت تو باشد

نوعی

در (ص ۱۶۵) غزلی از نوعی خوبشانی، به خط شکسته نستعلیق یکی از بانوان خوشنویس، با امضای وی، بدون تاریخ، تحریر شده و کنار امضایش نامش را «رضیه شکسته نویس دامت عفتها» تحریر نموده است. مطلع غزل نوعی چنین است: (شعر)

آمد شبم به بالین سرمست و لا ابالی
دست از نگار پر گل چشم از خمار خالی
از مو گشوده عنبر و زخوی فشانده گوهر
چون باده نوبهاری چون ابر بر سگالی

واعظ قزوینی

محمد رفیع واعظ قزوینی معاصر حکیم محمد مؤمن تنکابنی است و با وی مرادتی نیز داشته است. در آخرین سفینه، سید محمد طیب فرزند حکیم مؤمن، اشعاری را از واعظ با عنوان «لواعظ حفظه الله»، در مورخه غره رجب ۱۱۱۳ ق تحریر نموده، که عبارتند از:

۱. غزلی با این مطلع:

الهی نفرت از ماده به نوعی اهل دنیا را
که ره ندهد کسی در دل غبار کینه ما را
عطا کن مشرب افتادگی پیش درشتانم
تو کز همواری افکندی به پای کوه صحرا را

نگردیدیم نرم از آسیای گردش گردون
به پای گردش چشمی بیفکن دانه ما را
(این غزل در دیوان واعظ قزوینی، ص ۸، چاپ شده است).
۲. غزل دیگری با این مطلع:

پیری رسید و از همه وقت کناره است
جز جا به نام خویش سپردن چه چاره است
بر لوح بی بقایی خود گر نظر کنی
برگشتن نگاه تو عمر دوباره است
تا چشم میزنی بهم از هم گسسته است
گویی که تار عمر تو تار نظاره است
چون موسفید گشت به دندان مبند دل
سرزد چو صبح وقت غروب ستاره است
(این غزل در دیوان واعظ قزوینی، ص ۱۲۲، چاپ شده است).
۳. قطعه چهاربیتی، که چنین است: (شعر)

الهی در دیار محنتم حشمت پناهی ده
ز درد و داغ عشقم تخت و تاج پادشاهی ده
ز سودای کریمان هیچ کس نقصان نمی بیند
مرا از من بگیر و در عوض هر چیز خواهی ده
اگر مایل به سرخ و زرد بینی طبع شوخم را
سرشک ارغوانی لطف کن سیماه کاهی ده
نمی دانم چه باید خواست تا من از تو در خواهم
به هر چیزی که دانی لایقم خواهی نخواهی ده

همت

رباعی از میرزا همت (ص ۲۶۳)، که چنین است: (شعر)
در گلشن ایجادم اگر خار توام
بیقدر متاعم و به بازار توام



مخلوق توام اگر چه ساعت نكنم

در كارتونىستم ولى كارتوam

بخش سوم: شجره سادات ديلىميه

از مطالب مهم مندرج در سفينه حكيم تنكابنى، شجره سادات ديلىمى است. حكيم مؤمن در عصر خود رئيس سادات ديلىمى بوده و به همين جهت در اين سفينه شجره دقيق سيادت اين خاندان را تا خودش ثبت نموده است. او ابتدا مطالب مربوط به اين سادات را از شيخ شرف عبيدلى و ابوالحسن موضح نسابه، نقل نموده، و بعد از آن مطالبى را از شجره سادات ديلىميه نقل نموده كه تا كتون اصل آن شناسايى نشده است.

۱. شجره سادات ديلىمى

مطالبى كه شيخ شرف عبيدلى نسابه و ابوالحسن موضح نسابه، نقل نموده اند:

«نقل شجره سادات ديلىمى: بسم الله الرحمن الرحيم.

قال الشيخ الشرف العبيدلى النسابه و ابوالحسن الموضح النسابه، فى نسب السيد الامام الهمام ابوالحسين احمد الهارونى بن ابى القاسم حسين بن هارون الاقطع بن حسين بن محمد بن هارون بن محمد البطحانى بن ابامحمد قاسم بن حسن الامير بن ابوالحسن وزيد بن حسن السبط عليه السلام:

آته كان ابوالحسن زيد بن حسين بن على بن ابى طالب - عليهما السلام - ممدوحاً جواداً، عاش مائة سنة و مات بين الحرمين بموضع يقال له حاجز. والعقب منه فى الحسن الامير ويكنى ابامحمد و امه امّ ولد، يقال لها: الزجاجة. و كان امير المدينة من قبل منصور الدوانيقى العباسى و كان مظاهراً لبنى العباس على ابن عمه الحسن المثنى و عاش ثمانين سنة و ادرك من الرشيد.

و اعقب الحسن الامير من سبعة رجال و اكبره القاسم المكنى بابو محمد و امه سلمة بنت حسين (يك كلمة ناخوانا) بن حسن السبط عليه السلام، و كان زاهداً عابداً.

و اعقب من ثلاثة رجال، اكبرها محمد البطحانى و البطحان بضم الباء و ادباً بالمدينة و كان فقيهاً.

و اعقب محمد من سبعة رجال و كان اكبرها رئيساً بالمدينة و الآخر هو هارون بن محمد.

واعقب ہارون من خمسة رجال، منهم محمد بن ہارون وكان سيداً وجيهاً بالمدينة. واعقب محمد بن ہارون من خمسة رجال، منهم حسين بن محمد بن ہارون. واولد حسين بن محمد بالرى وكان من ولده ہارون الاقطع. واعقب ہارون من حسين المكنى بابى القاسم واولد ابى القاسم بآمل. واعقب من اربعة رجال، منهم الشريفان الجليلان ابو الحسين احمد وكان كثير العلم، له مصنفات فى الفقه والكلام، بويج له الديلم ولقب بالسيد المؤيد واخوه ابوطالب يحيى ولقبه بالناطق بالحق ويعرفان بابنى ہارونى. بويج له الديلم بعد اخيه وكان عالماً فاضلاً و له مصنفات فى الكلام ولهما اعقاب ومنهم ابامحمد عبد العظيم وكان عالماً فاضلاً و له مصنفات وكان على مذهب الامامية ومنهم على الصوفى. هذا ما نقلناه من كتاب العبيدلى وآله فى سنة اربع واربعمائة. وللسيد المؤيد وصية كتبها فى اثنين اربعمائة وهى موجودة الى الان. واعلم ان ابو الحسين احمد المشهور بكنى ابو الحسين، كان من ولد حسن الناصر الكبير الملقب بناصر الحق. وهو من ولد ابو الحسن العسكرى بن على الاخر بن العمر الاشرف بن السجاد عليه السلام. دخل الناصر الكبير فى طبرستان فى سنة احدى وثلثمائة ومات بآمل وملك الديلم ثلث سنين وكان السيد المؤيد ابو الحسين احمد الهارونى غيره».

۲. شجرة الديلمية

اين بخش به خط محمد باقر ديلمى است كه در سال ۱۰۸۹ق به دستور حكيم تنكابنى نگاشته است. او اين مطالب را از شجره ديلميه نقل مى كند. معلوم نيست كه اين عنوان، نام كتابى بوده، يا شجره خاندانى بوده كه در نزد سادات تنكابن نگهدارى مى شد. اميد كه روزى اصل «شجره ديلميه» شناسايى گردد. به هر حال مطالب نقل شده از آن در سفينه حكيم تنكابنى، كه شجره سيادت اين خاندان راتا حكيم تنكابنى ذكر کرده، چنين است:

«امان سب السيد امير عطا الله الطيب الفقيه - غفر الله له - على ما فى شجرة الديلمية التى كتبت فى سنة سبع وتسعين وتسعمائة، هكذا: امير عطا الله بن امير محمد بن سيد امير بن امير قاسم بن سيد على العابد بن امير

نصير بن ابى طالب بن حسن السالك بن سيد على كيا بن ابوالقاسم احمد بن ابو الحسين على بن عبد العظيم بن محمد كيا بن ناصر كيا بن سيد حسين كيا بن احمد كيا بن سيد محمد كيا بن سيد احمد الملقب بسيد المؤيد بن ابى القاسم حسين بن هارون الاقطع بن حسين بن محمد بن هارون بن محمد البطحانى بن قاسم بن حسن الامير بن ابى الحسن زيد بن حسن بن على بن ابى طالب عليه السلام.

لما ارتحل السيد المؤيد احمد الهارونى من الآمل مع اخوانه الى الديلم وبويع له الديلم واعقب فى تنكابن من بلاد ديلم من اربعة رجال. وكان اكبر اولاده السيد العالم الزاهد ابى القاسم وهو ميناث (كذا) ولم يقبل الامارة بعد ابيه، فبويع الديلمة بعمه ابى طالب يحيى الهارونى. ويزار قبره فى قرية جزمه من ناحية دوهزار من نواحي تنكابن.

ومن ولد سيد المؤيد، سيد حسين الشهيد ويزار قبره فى اسبجين من نواحي تنكابن. وسيد ابو طالب ويزار قبره فى قرية صول من ناحية دوهزار وليس لها عقب بل انقرض بعد مدة.

وسيد محمد كيا ويزار قبره فى قرية ميانكوه من ناحية دوهزار وامه حسينية من بنات ناصر للحق وكان على مذهب الامامية وينسب اليه علم الصناعة وله فيها يداً عظيماً ولبعث اولاده واعقابه كذلك وعاش اثنى وسبعين سنة وحج واعتمر مراراً ومات فى سنة خمس واربعين واربعمئة. ولفظ كيا بالديلمية الامير واعقب من واحد وهو السيد الزاهد الفاضل ابوالقاسم احمد المعروف بسيد احمد كيا و امه حسينية وعاش اثنى وستين سنة ومات فى مشهد الرضا عليه السلام فى سنة تسعين واربعمئة.

واعقب من ولدين ابى طالب وحسين كيا و امهما فاطمة بنت ابى القاسم الهارونى و عاش سيد العالم الزاهد حسين كيا ثمان وخمسين سنة ومات فى اسبجين فى سنة احدى وعشرين وخمسماية. وكان له عقباً واحداً ابوالحسن المعروف بسيد ناصر كيا و امه حسينية وكان عالماً عابداً اذا جلالة، عاش اربع وسبعين سنة ومات فى بغداد فى سنة احدى وسبعين وخمسماية ودفن فى مقابر قريش عند حرم الكاظمين عليه السلام.

وكان له اولاداً و اكبرها ابو القاسم محمد كيا و امه حسينية و كان فاضلاً رئيساً بالديلم
عاش سبع و خمسين سنة و مات فى الرى فى سنة اثنى و ستمائة و دفن عند عبد
العظيم و اجداده.

و كان اصغرا و اولاده ابو محمد عبد العظيم و امه من بنات اعمامه و كان مرتاضاً عابداً
عاش سبع و ثلثين سنة و مات فى قرية ميانكوه من ناحية تشجين من نواحي
تنكابن.

و كان له عقباً واحداً ابو الحسين على المعروف بعلى كيا و امه حسينية و كان محتشماً
خيراً فاضلاً، عاش تسع و ستين سنة و مات فى المدينة بعد الحج فى سنة ثلث و
خمسين و ستمائة.

و كان له عقباً واحداً ابى القاسم احمد و امه حسينية و كان فاضلاً منزوياً مدة عمره و
عاش خمس و ستين سنة و مات فى قرية جزمه فى سنة احدى و سبعمائة و يزار قبره
عند قبر ابى القاسم المهارونى.

و كان له اولاداً و اصغرها ابا محمد المعروف بسيد على كيا و امه حسينية و كان زاهداً
متعبداً عاش ثمان و اربعين سنة و مات فى مشهد الرضا عليه السلام فى سنة تسع و عشرين و
سبعمائة.

و كان له عقباً واحداً العالم الفاضل سيد حسن المعروف بالسالك و امه من بنات
اعمامه و عاش ثمانين سنة و مات فى سنة احدى و تسعين و سبعمائة و دفن فى
مشهد ابا عبد الله الحسين عليه السلام.

و كان له عقباً واحداً العالم العادل ابى طالب المعروف بالعادل و كان محتشماً خيراً و امه
حسينية و عاش ثلث و تسعين سنة و مات بين الحرمين فى سنة اثنى و عشرين و
ثمانمائة.

و كان له اولاداً و اصغرها ابا محمد المعروف بنصير الحق و امه حسينية و كان جواداً باذلاً
و عاش ست و خمسين سنة و مات فى الرى فى سنة سبع و خمسين و ثمانمائة.

و كان له عقباً واحداً السيد على المعروف بالعابد و كان امه من بنات اعمامه عاش
احدى و سبعين سنة و مات فى ارض الغرى فى سنة احدى و تسعين و ثمانمائة.

و كان له اولاداً و اصغرها السيد السالك ابو الحسين قاسم المعروف



بالمؤيد و أمه حسينية عاش تسع وسبعين سنة و مات فى المدنية فى سنة اثنى و اربعين و تسعمائة.

و كان له اولاداً و اكبره السيد الجليل سيد امير كيا و أمه حسينية من بنات كار كيا ميرزا على امير الديلمة و الجيلان و عاش سبع و عشرين سنة و مات فى مشهد الرضا - عليه السلام - فى سنة ثلث و خمسين و تسعمائة.

و كان له عقباً واحداً السيد العابد الباذل امير سيد محمد و أمه حسينية من بنات سلطان حسن بن كار كيا ميرزا على و عاش تسع و اربعين سنة و مات فى قرية ميانكوه من نواحي تنكابن فى سنة ست و ثمانين و تسعمائة.

و كان له ولدين و اصغر ولديه السيد الفاضل الفقيه الطيب امير عطا الله و أمه حسينية و له دام افضاله يداً فى علم آباءه الكرام كثر الله اولاده و اعقابه و اعقاب امثاله بكرمه و جوده انه هو الجواد الكريم.

قد تم الكتاب فى سنة سبع و تسعين و تسعمائة».

اما السيد الفاضل النجيب امير عطا الله الطيب عاش اربع و ستين سنة و مات فى تنكابن فى سنة ثلث و عشرين و الف.

و اعقب من ولدين امير صدر الدين و له عقب من ميرزا محمد زمان و له عقب ايضاً كثر الله اولاده و طول الله تعالى عمره.

و عاش امير صدر الدين ثمان و اربعين سنة و مات فى بلدة تبريز فى سنة اثنى و خمسين و الف.

و من امير محمد زمان و كان فاضلاً متطياً و حيداً فى عصره، مشهوراً فى البلاد و كان له يداً عظيماً فى امر المعالجات و حدساً صائباً و أمه حسينية، و لد فى سنة احدى و الف و عاش ثمان و خمسين سنة و مات فى سنة تسع و خمسين و الف فى بلد برهان پور من بلاد الهند.

و له عقب من امير محمد مؤمن الطيب - دام بقاءه و كثر الله تعالى اولاده و اعقابه و له - دام عمره - عقب، و لد فى شهر محرم سنة اثنى و ثلاثين و الف، و كان أمه گرجية من بنات اعمام سمايون خان الگرجى.

و ولد سيد محمد طول الله عمره فى رابع عشر شهر صفر من سنة سبع و ثمانين و الف و

كان امه حسينية من اولاد قاضى جهان، بلغه الله تعالى ووالده الى ذروة الكمالات
بمنه وكرمه.

كتبه العبد الاقل محمد باقر الديلمى فى سنة تسع وثمانين الف، ۱۰۸۹ق.
در اینجا معرفی این سفینه به پایان می رسد. به عون الهی شرح احوال و آثار حکیم
محمد مؤمن تنکابنی، بالاستناد به مطالب این سفینه، در ادامه خواهد آمد. بمنه و کرمه
آته لطیف خیر و علی کل شی قدیر.



فهرست تصاویر ضمیمه (چهار تصویر):

۱. فهرست سفینه به قلم عبدی قاجار؛
۲. صفحه اول رساله میزان العمل نجم الدین کبری؛
۳. نمونه ای از خط حکیم محمد مؤمن تنکابنی؛
۴. نمونه ای از خط حکیم محمد طیب فرزند حکیم محمد مؤمن تنکابنی.





